

دانش بشری و امکانات اقتصادی و فرهنگی و فن آوری جهانی بستگی دارد، ولی به نظر می‌رسد که بخش عمده‌ای از آن نیز به خواسته‌ها و مقاصد و اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فن آوری و سرانجام منافع آمریکا و متحدانش بستگی داشته باشد.

## اینترنت و سیاست خارجی آمریکا

توماس فردمن، تحلیلگر روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد:

«جهانی شدن، مهمترین چالش در سیاست خارجی آینده آمریکا خواهد بود.» از آنجا که شبکه اینترنت، با توجه به گسترش آن در سطح جهان، هم اکنون از عناصر اساسی جهانی شدن به شمار می‌آید؛ بنابراین، «اینترنت» از مهمترین عناصر سیاست خارجی آمریکا در حال و آینده است.

در سالهای اخیر، دستاوردهای قابل توجهی در این زمینه حاصل شده است و در نتیجه، جوانب مختلف زندگی بشر به سمت تحولاتی که حتی از تغییرات ناشی از صنعت چاپ نیز بسیار فراتر و عمیقتر است پیش می‌رود. اگر چه این تحول، اساساً به پیشرفت

### غسان مکحل

روزنامه نگار و نویسنده لبنانی

ترجمه: دکتر حجت رسولی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

انفجار اطلاعات و ارتباطات هنوز مراحل آغازین خود را می‌گذراند. این، در حالی است که طی دو دهه گذشته و بویژه در سالهای اخیر، دستاوردهای قابل توجهی در این زمینه حاصل شده است و در نتیجه، جوانب مختلف زندگی بشر به سمت تحولاتی که حتی از تغییرات ناشی از صنعت چاپ نیز بسیار فراتر و عمیقتر است پیش می‌رود. اگر چه این تحول، اساساً به پیشرفت

برای بحث درباره نقش آن در سیاست خارجی است.» (برتن ۱۹۹۷)

از اوایل دهه ۸۰ استفاده از شبکه اینترنت، نخست از سوی غیر نظامیان و به طور مشخص دانشمندان، به منظور تبادل مسایل و دیدگاههای علمی و انجام تحقیقات مشترک آغاز شد، ولی کاربرد نظامی آن از دهه شصت و به قصد شتاب دادن به تحقیقات و تبادل معلومات درباره سلاحهای هسته ای، در اوج مناقشه میان شرق و غرب در دوران جنگ سرد، مطرح گردید.

در واقع، استفاده گسترده از اینترنت از سال ۱۹۹۴ - و بویژه در پی تحول در رایانه های شخصی - موجب شد که جهان به مرحله تازه ای از انفجار اطلاعات گام نهد و عملاً به دهکده ای کوچک تبدیل گردد. جالب توجه این که، این مرحله را الگور، معاون رییس جمهور (پیشین) آمریکا با ارتباطی که از طریق شبکه اینترنت در واشنگتن با جوانی در یکی از روستاهای دور دست هند برقرار ساخت، آغاز نمود و از آن به عنوان مرحله ای تازه از جهانی یکپارچه تعبیر کرد. ویژگی اینترنت، جاذبه فراوانی است که برای بشریت و مشخصاً نسل جوان

دارد؛ زیرا برخلاف بسیاری از فن آوریهای دیگر از امتیاز مهم پاسخگویی به یکی از نیازهای اساسی بشر، یعنی نیاز به برقراری ارتباط برخوردار است. این امتیاز، ویژگی انسانی اینترنت را از نظر تئوری و عملی تقویت کرده و خود، انگیزه ای برای گسترش و کاربرد فراوان آن می گردد. افزون بر این، برقراری ارتباط و تبادل معلومات از طریق اینترنت، علاوه بر این که با سرعتی بسیار بالا انجام می گیرد، هزینه ای بسیار اندک دارد.

دانیال برتن می گوید: «جایگاه برتن آمریکا در فن آوری - به ویژه در زمینه اینترنت - اقتضا می کند که همگام با تحولات و پیشرفتهای به دست آمده، در سیاستهای داخلی و خارجی خود نیز متناسب با انقلاب اینترنت تجدید نظر نماید.» وی می افزاید: «امروزه دانش، بیش از هر زمان دیگری، قدرت محسوب می شود و کشوری که بتواند انفجار اطلاعات را به نحوی بهینه رهبری کند، بیش از هر زمان دیگر به منابع قدرت دست یافته است... برتری اطلاعاتی، عامل مهمی در دیپلماسی آمریکا به شمار می آید و طبعاً یکی از جوانب

دولت‌های غیر دموکراتیک در آنها حاکمیت دارند، ادامه دهد.»

وی می‌افزاید: «معیارهای سنتی مانند توانمندی‌های نظامی و درآمد سرانه

ملی و جمعیت و انرژی و مساحت و معادن

کشورها، همچنان بر مناقشات مربوط به

موازنه قوا حاکم است و به عنوان منابع

قدرت، تأثیر گذاری فراوانی دارد و آمریکا در

عصر اطلاعات بر این منابع متکی است. ولی

ناتوانی این معیارها در اتحاد جماهیر

شوروی سابق به اثبات رسید؛ بنابراین، برای

تداوم رهبری جهانی آمریکا در قرن

بیست و یکم نمی‌توان به این معیارها دل

بست. در عصر اطلاعات، فن‌آوری و آموزش و

انعطاف‌پذیری ساختاری، اهمیت می‌یابد و

از اهمیت جغرافیا و جمعیت و مواد خام

کاسته می‌شود.

می‌توان گفت که سرعت تحول در

قدرت آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت در

برخورد با مسایل جهانی فزونی می‌یابد. این

امر، بویژه با تحولاتی که راه اینترنت را به

همه خانه‌ها باز خواهد کرد و اعمال

روشهای اقتصادی و مجهز ساختن

هر دستگاه تلویزیون به یک خط اینترنت و

دیپلماسی آمریکا، «قدرت نرم»

(Soft Power) در راستای افزایش جاذبه

دموکراتیک این کشور و بازارهای آزاد

است.» (ژوزف‌نای، ۱۹۹۶)

«قدرت نرم» (Soft Power)، عبارت

است از توانایی تحقق اهداف سیاسی

بین‌المللی از طریق همراه ساختن دیگر

کشورها با مواضع خود و البته نه از راه زور و

اجبار. «قدرت نرم»، اسلوبی در سیاست

خارجی است که بر توانایی ترویج افکار خود

و برنامه‌ریزیهای قانع‌کننده برای دیگران

متکی است.

ژوزف‌نای، رییس پیشین شوروی

اطلاعات ملی آمریکا می‌گوید: «آمریکا

توانایی آن را دارد که با استفاده از منابع

اطلاعاتی خود با چین و روسیه و دیگر

کشورهای قدرتمند، وارد گفتگوهای امنیتی

شود تا از تبدیل اختلافات به اقدامات

کینه‌توزانه جلوگیری نماید؛ همچنان که

می‌تواند به کمک برتری اطلاعاتی خود از

تبدیل کشورهای مخالف مانند ایران و عراق

به کشورهای قدرتمند پیشگیری کند و

همچنین به دولت‌های دموکراتیک کمک

کرده و رابطه خود را با کشورهایی که

ارزانت‌تر شدن برقراری ارتباط از این طریق و مرتبط شدن همه جهان با منبع فن آوری و اطلاعات در آمریکا، اهمیت فراوانی خواهد یافت.

تحولات مورد نظر، تسهیلاتی را به همراه خواهد آورد که با استفاده از آن می‌توان هر نوع معلوماتی را با هزینه‌هایی به مراتب کمتر از هزینه‌های سابق - که بر سیستم‌های دولتی و مؤسسات خصوصی و فرستادن افرادی به اطراف جهان تکیه داشت - به دست آورد.

رویکردی که در دوران ریاست جمهوری کارتر در زمینه کسب اطلاع آمریکا از جزئیات مسایل جهان، حتی میزان بارندگی و آب و آلودگی هوا و وضعیت آموزشی کشورها آغاز شد، مؤید این مطالب است.

در آن زمان، دویست کارشناس آمریکایی با تخصص‌های مختلف، مأموریت یافتند که گزارشی درباره جهان، موسوم به «گزارش سال دوهزار» تهیه کنند که در آن، اطلاعات و بررسی‌هایی درباره همه موضوعات در جای جای جهان، جمع‌آوری شده باشد. در پی همین اقدام، مراکز مطالعاتی و

تحقیقاتی - از جمله، مرکز مطالعات امنیت آب - پایه‌گذاری شد.

این رویکرد در زمان ریگان با تأکید ویژه بر جنبه نظامی و امنیتی، تشدید شد و علت آن، توجه فراوانی بود که آمریکا بر اثر احساس سرشکستگی از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، نسبت به تقویت بیش از پیش سیاست خارجی خود مبذول کرد. انقلابی که همه مؤسسات آمریکایی را، به رغم حضور گسترده آنان - بویژه در کشوری که باید بیشترین پوشش اطلاعاتی نسبت به آن از سوی آمریکایی‌ها اعمال گردد - غافلگیر ساخت.

شاید نخستین مرحله در تغییر سیاست خارجی آمریکا بر اثر استفاده از اینترنت و انفجار اطلاعات، تأثیر آن بر تقویت توانایی‌های نظامی این کشور باشد. فن آوری اینترنت، امکان جمع‌آوری اطلاعات و تنظیم و بررسی و انتقال آن را تقویت کرده و به کارگیری آن را در پیچیده‌ترین حوادثی که در مناطق دور دست در شرف وقوع است امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین، به دقت عمل در استفاده یا عدم استفاده از نیروی نظامی کمک کرده، موجب برآورده شدن

اهداف مورد نظر و کاهش خسارات وارده به کمترین حد ممکن می‌گردد. آمریکا از طریق شبکه اینترنت خواهد توانست، با در اختیار گرفتن مهمترین با نکهای اطلاعاتی و منابع آن و شناخت راههای جمع‌آوری و پراکندن اطلاعات، «چتر اطلاعاتی» خود را بر جهان بگستراند. در واقع، شبکه اینترنت به آمریکا این امکان را می‌دهد که همه همپیمانان و حتی دشمنان خود را به اطلاعات سودمند مجهز سازد تا از منازعات فیمابین پرهیز کنند یا به عکس، با آن سرگرم شوند.

گفتنی است که اینترنت و توانمندیهای آن، در قانع ساختن طرفهای درگیر در مناقشه بوسنی و هرزگوین برای پذیرش قرارداد «دیتون» نقش اساسی ایفا کرد. زیرا آمریکا توانست با جمع‌آوری و عرضه اطلاعات لازم، اقدامات طرفهای درگیر را در سطح جهان افشا سازد.

از سویی، عصر اطلاعات کنونی، نه تنها موجب انقلاب در مسایل نظامی خواهد شد، بلکه انقلاب دیگری را نیز در زمینه اعمال «قدرت نرم» (Soft Power) و فرصتهای مربوط به آن خواهد آفرید.

البته، مهمترین نکته در زمینه تأثیر اطلاعات و اینترنت بر سیاست خارجی آمریکا، توانایی آن کشور در اشاعه افکار و فرهنگ آمریکایی و همچنین زبان انگلیسی است؛ امری که از اقتدار طلبی آمریکا در نگاه دیگران می‌کاهد و به اعمال سیاستها و فروش کالاهای آمریکایی در سطح جهان کمک می‌کند.

می‌توان گفت که مهمترین دلمشغولی سیاستمداران ژاپنی طی دو دهه رقابت با آمریکا، آن بوده است که ژاپنی‌ها به اندازه آمریکایی‌ها از امتیاز تأثیر فرهنگی بر جهان برخوردار نیستند و این امر، تا حد زیادی از انتشار سبک زندگی آنان و فروش کالاهایشان در سطح جهان می‌کاهد و مانع از تبدیل آنان به قدرتی بزرگ در میان کشورهای جهان می‌گردد.

افزون بر این، ژاپن که در دهه هشتاد و بخش عمده‌ای از دهه نود، در بسیاری از زمینه‌ها بر آمریکا برتری داشت، اواخر دهه نود، به علت عقب ماندن در زمینه اینترنت و اطلاعات و برنامه‌های اطلاعاتی در موقعیت بسیار فروتری نسبت به آمریکا قرار گرفت. یکی از اقتصاددانان ژاپنی، دو

سال پیش در مصاحبه‌ای در توکیو گفت که در اختیار داشتن کامپیوتر بدون اینترنت، مانند استفاده از خودروی شخصی در حیاط منزل است.

ژاپنی‌ها در صنعت کامپیوتر و سیستم‌های کامپیوتری فن‌آوری پیشرفته‌ای را در اختیار دارند، ولی از توانایی استفاده از این امکانات در جهان کنونی بی‌بهره‌اند... از این رو آمریکا در مرحله انفجار اطلاعات توانسته است بیش از پیش توجه جهانیان را به فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی جلب کرده و آنان را نسبت به این فرهنگ خوشبین سازد.

اندیشمندان و کارشناسان آمریکایی بر این عقیده‌اند که ناتوانی دولت جورج بوش و سپس کلینتون در پایه‌گذاری سیاست خارجی نوین، متناسب با تحولات پس از جنگ سرد، موجب شکل‌گیری «نظم نوین جهانی» مبتنی بر دنیای تازه‌ای از شبکه‌های کامپیوتری و ارتباطات خواهد شد که به طور کامل، جایگزین نظام جهانی پیشین می‌گردد.

در واقع، انفجار اطلاعات - و به طور مشخص اینترنت - از نظر دولتمردان

آمریکایی به معنای افزایش تأثیر فرهنگی آمریکا و افزایش چشمگیر تواناییهای امنیتی و تواناییهای بی‌حد و حصر دیگری است که سرانجام به انباشت ثروت و توسعه اقتصادی و گسترش بازار منتهی می‌گردد. موارد سه‌گانه فوق، مهمترین اهداف سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌آید.

کارشناسان سیاست خارجی آمریکا، از جمله دریادار ویلیام اوبنز، نایب رییس شورای کارکنان عالی‌رتبه دولت کلینتون، چهار هدف را برای دولت بر شمرده‌اند که اینترنت می‌تواند نقشی اساسی داشته باشد:

۱ - پشتیبانی از حکومت‌های دموکراتیک - بویژه دولتهایی که تازه تشکیل شده‌اند - و انتقال به دموکراسی و اقتصاد بازار از طریق دادن پوشش اطلاعاتی به دولتهای طرفدار آمریکا یا دولتهای طرفدار سیاستهای اقتصادی موافق با منافع امنیتی و سیاسی و اقتصادی آمریکا و تلاش برای کسب اطلاعات از کشورهای مخالف اقتصاد بازار و طرفدار بازگشت اقتصاد به وضع سابق.

۳- پیشگیری از مناقشات منطقه ای و حل و فصل این مناقشات در مواردی که منافع آمریکا اقتضا می کند که از چنین مناقشاتی پرهیز شود یا حل و فصل گردد، از طریق تأمین اطلاعات مورد نیاز رهبران و گروههای فعال در این مناطق و همچنین ممانعت از حملات تبلیغاتی و رفع اتهامات متقابل انجام می پذیرد؛ شیوه ای که برای اجرای قرارداد «دیتون» میان طرفهای درگیر در یوگسلاوی فعالانه به کار گرفته شد. از سوی دیگر، اینترنت، آمریکا را قادر می سازد که به مناقشات منطقه ای دامن بزند یا مانع از حل و فصل آنها گردد، بویژه این که بانکهای اطلاعاتی و رسانه های خبری آمریکا، همچنان منابع اساسی اطلاعات کشورهای جهان محسوب می شود، به طوری که بخش عمده ای از اطلاعات این کشورها از واشنگتن تأمین می گردد.

۴- تبدیل اینترنت به منبع اطلاعاتی اساسی برای مبارزه با «تروریسم» و جرایم سازمان یافته و نقض خطرناک قوانین مربوط به حفظ محیط زیست در سطح جهان.

۲- تلاش برای ایجاد تغییرات در داخل کشورهایی که همچنان خط مشی کمونیستی را ادامه می دهند؛ مانند چین و کوبا، از طریق تشویق عوامل داخلی طرفدار دموکراسی. در این زمینه، اینترنت به عنوان وسیله برقراری ارتباط و تبادل معلومات، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

اینترنت همچنین می تواند در شرایطی که آزادی مطبوعات وجود ندارد، به عمق جریانهای مخالف دولتها نفوذ کند، چنان که در جنگ کوزوو در یوگسلاوی و پیش از آن اتفاق افتاد. در واقع، اینترنت در شرایطی خاص در برابر دولتهایی که از اقتدارطلبی آمریکا سرپیچی می کنند، حکم «اسب تراوا» را دارد که می توان آن را از آمریکا یا کشورهای همپیمان آمریکا هدایت کرد تا با نفوذ به درون کشورها، یکپارچگی داخلی آنها را خدشه دار سازد. افزون بر این، واشنگتن عقیده دارد که اینترنت علاوه بر شناسایی به روش فضایی و جوی و جستجو در دیگر منابع اطلاعاتی، می تواند مانع از دستیابی کشورهایی مانند لیبی و ایران و عراق و کره شمالی به سلاح هسته ای گردد.

برتن معتقد است که با انفجار اطلاعات، تعریف امنیت، تغییر کرده است. در گذشته، امنیت با تعداد نیروهایی که می توان در هنگام ضرورت آنان را به مناطق مورد نظر گسیل کرد، تعریف می شد، ولی اکنون، امنیت، عبارت است از توانایی دستیابی یا ممانعت از دستیابی به منابع اطلاعاتی مهم.

با آغاز عصر اتم، این باور تقویت شد که با ظهور سلاح هسته ای، جغرافیای سیاسی و جغرافیای نظامی اهمیت خود را از دست داده است. این عقیده - به ویژه با تحولات ناشی از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در اوایل دهه نود - به کلی رد شد و حتی عکس آن ثابت شد. اکنون با آغاز عصر اطلاعات و بویژه اینترنت این باور شکل می گیرد که جهان ارتباطات از طریق کامپیوتر بر جهان جغرافیا غلبه می کند و برای نخستین بار سراسر گیتی را با شبکه ای از ارتباطات پیچیده و با سرعتی بسیار بالا کاملاً به هم مرتبط می سازد.

در اوایل قرن گذشته، هنری لوسی،

مؤسس مجله تایم گفت که قرن بیستم قرن آمریکا است، ولی حقیقت آن است که آمریکا اگر بتواند رهبری اطلاعاتی جهان را متناسب با پیشرفت فن آوری در این زمینه به دست گیرد، بدون نیاز به هیچ متحدی می تواند قرن بیست و یکم را کاملاً به قرن آمریکا مبدل سازد.

البته این امر، چالشهای سیاسی، اقتصادی، فن آوری و از همه مهمتر، فرهنگی را در سطح جهان به همراه خواهد داشت.

#### منابع

- Bruce D. Berkowitz, "Information Age Intelligence," *Foreign Policy*, Summer 1996.
- Claude Moisy, "Myths of Global Information Village," *Foreign Policy*, Summer 1997.
- Joseph S. Nye, Jr. and William A. Owens "American Information Edge," *Foreign Affairs*, March-April 1996.
- Danjel F. Burton, Jr. "The Brave New Wired World," *Foreign Policy*, Spring 1997.